

قلمرو اشکانیان

نویسنده: یزدان صفایی

شهریاری اشکانیان، چهارصد و هفتاد سال به درازا کشید و در آن مدت، بیست و نه اشک از این خاندان در ایران فرمانروایی کردند.

کشور پهناور ایران اشکانی از سمت خاور تا هندوکش و حدود پنجاب و از شمال تا رود جیحون و دریای کاسپین (مازندران) و از جنوب تا دریای پارس (عمان) و خلیج فارس و از سمت باختر نیز تا (غالباً) رود فرات گسترش داشت. البته این مرزبندی‌ها همیشه به همین صورت نبوده است و این حدود مربوط به دوره ی اوج و گستردگی اشکانیان است و البته گاهی نیز مرزهای این دولت از این حدود نیز فراتر میرفته است چنان که در زمان پادشاهی ارد، سپاهیان پارسی در باختر از رود فرات نیز گذشته و تا انطاکیه و تنگه ی هلسپونت پیش رفتند.

قلمرو اشکانیان شامل شماری دولت‌های مستقل دست نشانده هم میشد، در آنچه به وسیله ی ساتراپ‌های اشکانی اداره میشد، شامل هجده استان یا ساتراپی میشد که یازده استان را که در بخش شرقی کشور جای داشتند، استان‌های علیا و هفت استان غربی را استان‌های سفلی می خواندند. این استان‌ها عبارت بودند از:

۱- میان رودان (Mesopotimia) با زمین‌های شمال بابل.

۲- آپولونیاتیس (Apolloniatis): جلگه ی خاور دجله.

۳- خالونی تیس (Chalonitis): بلندی‌های زاگرس

۴- ماد غربی: حدود نهاوند.

۵- کامبادین (Cambaden): حدود بیستون و بخش کوهستانی ماد.

۶- ماد علیا: اکباتانا (همدان).

۷- رگیان (Rhagiana): نواحی شرقی ماد.

استان‌های شرقی که استان‌های علیا خوانده میشدند:

۸- خوارنه (Choarene): سر دره خوار.

۹- کومیسنه (Comisene): کومس (قومس).

۱۰- هورکانیا (Hyrcania): گرگان.

۱۱- استابنه (Astabene): ناحیه استو (قوچان).

۱۲- پارتیا (Parthyene): خراسان.

۱۳- ایه ورکتی کنه (Apavarcticene): ابیورد، حدود کلات.

۱۴- مرگیانه (Margiane): ولایت مرو.

۱۵- آریا (Aria): هریوه، هرات.

۱۶- انائون (Anauen): جنوب هرات.

۱۷- زرنگیان (Zarangiane): زرنج، کنار هامون.

۱۸- آراخوزیا (Arachosia): رنج در ساحل علیای هیرمند در قندهار.

سکستان نیز که در بخش سفلی هیرمند دولت محلی مستقل داشت، در برخی منابع، استان نوزدهم دولت اشکانی به شمار آمده است.

افزون بر این استانهای هجده گانه، شماری دیگر از استانهای پیشین هخامنشی در این دوره (اشکانی) به صورت مستقل اما متحد و تحت حمایت دولت اشکانی وجود داشتند. این استانها در هنگام نیاز سپاه و دیگر امکانات در اختیار شاهان اشکانی قرار میدادند و در برخی موارد نیز از فرمان شاهان اشکانی سرپیچی میکردند و به زیر حمایت دولتهای دیگر در می آمدند.

این دولتهای تابع که در نهایت جز قلمرو رسمی دولت اشکانی به شمار می آمدند به قرار زیر است:

۱۹- ارمنستان که پادشاه آن، هم پیمان و دست نشانده و از خاندان پارتیان بود.

۲۰- اسروئن (Osroene) در شمال خاوری میان رودان که مرکز آن ادسا (Edessa) نام داشت.

۲۱- کرودئن (Cordoan) در جنوب دریاچه ی وان و خاور دجله که سرزمینی کوهستانی بود.

۲۲- آدیابن (Adiabene) (حدیب، حاجی آباد) در کنار رود زاب که شامل سرزمین آشور میشد و مرکز آن، اربل (Arbela) خوانده میشد.

۲۳- امارت هترا (Hatra) در باختر دجله جای داشت و به خاطر قلعه استوارش نامدار بود.

۲۴- آتروپاتن (Atropaten) سرزمین آذربایجان که ماد کوچک نیز خوانده میشد و در دوران سلوکی نیز مستقل بود. این استان در زمان اشکانیان توسط یک شاهزاده اشکانی اداره میشد که هم پیمان و تحت حمایت دولت اشکانی بود. این استان در زمان سلوکیان و اشکانیان یک مرکز دینی و یک مرکز ایرانیگری در برابر یونانی مآبی به شمار می آمد.

۲۵- میسان (Mesene) که در زمینهای میان رودان جنوبی در پیرامون مصب دجله و فرات جای داشت و مرکز آن به نام خاراکس (Charax) تقریباً در خرمشهر کنونی بود.

۲۶- ایلام (Elymais) که در خاور دجله و شامل شوش و اهواز کنونی بود و تا بخشهایی از دره های زاگرس ادامه داشت. مهرداد نخست آنجا را گشود اما بعد ها دوباره استقلال محلی یافت.

۲۷- پارس که پادشاهان کوچک و محلی آن، از زمان سلوکیان مستقل بودند و در زمان اشکانیان بخشی از جنوب کرمان نیز به قلمرو آنان افزون گشت. این قلمرو کانون آیین زرتشت بود.

سرزمینهای باختر و سغد هرگز جز قلمرو اشکانیان در نیامدند. همچنین زمینهای شمال دره ی اترک هم که جزیی از سرزمینهای داهه و سکایی بود، هیچگاه جز دولت اشکانی به شمار نیامد. تیره های آن نواحی بارها در مرزهای شرقی اشکانیان تاخت و تاز کردند.

بن مایه ها:

۱- اطلس تاریخ ایران، سازمان نقشه برداری کشور.

۲- تاریخ ده هزار ساله ایران، جلد اول. عبدالعظیم رضایی، نشر اقبال.

۳- تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران، عباس پرویز، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

۴- تاریخ ایران، حسن پیرنیا - عباس اقبال، کتاب فروشی خیام، بهار، ۱۳۷۰